

مجله زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال ششم - بهار و تابستان ۱۳۸۷

پربسامد ترین روابط مفهومی میان واژگان

دکتر شهلا شریفی* - آرزو مولوی وردنجانی**

استادیار زبان شناسی دانشگاه فردوسی

چکیده

این تحقیق به بررسی روابط مفهومی میان واژگان زبان می پردازد. روابط مفهومی انواع روابطی را تشکیل می دهند که در نظام معنایی زبان میان واژگانی یافت می شوند که چه بسا در ابتدا مستقل از هم به نظر برسند اما در عمل و در حقیقت ارتباط تنگاتنگی میان آن ها وجود دارد. در مورد تعداد این روابط و گستردگی آن ها تحقیقات قابل توجهی انجام شده است. در این تحقیق، سعی شده است تا با کمک آزمون روانشناختی تداعی معنایی به تشخیص پربسامدترین روابط مفهومی میان پاره‌ای واژگان زبان فارسی نائل شویم. نتایج این تحقیق نشان می دهد که روابط سلسله مراتبی (شمول معنایی)، روابط نقشی، تقابل معنایی، با هم آیی و هم معنایی بیشترین درصد انواع پیوندهای واژگانی را در میان داده های تحقیق حاضر به خود اختصاص داده اند.

واژگان کلیدی: مفهومی، ذخیره واژگان ذهنی، آزمون تداعی معنایی.

مقدمه

واژگان در تمام مسائل زبانی مرکز توجه است، به عبارتی زبان در واژگان شکل می گیرد. همه ی ما دارای ذخیره ی واژگانی ای هستیم که اساس توانایی ما را در برقراری ارتباط تشکیل می دهد. طبیعی است که این ذخیره ی واژگانی باید به گونه ای شکل گرفته باشد که از انعطاف پذیری بالایی برخوردار باشد به گونه ای که واژه های جدیدی را که هر روز یاد می گیریم، در خود جای دهد و از طرف دیگر، جستجو در آن با سرعت بالایی امکان پذیر باشد (ا. گرادى و دیگران، ۱۳۸۰). علاوه بر این، واژگان ذهنی باید این امکان را برای ما فراهم کنند که بر حسب ویژگی های متنوعی به مدخل های واژگانی دست یابیم. در واقع دانش معنایی هر واژه مستلزم آگاهی از رابطه هایی است که آن واژه با واژه های دیگر در همان حوزه و دیگر حوزه ها دارد. به عبارت دیگر، اساس زبان انتزاع روابط حاکم بر مفاهیم می باشد. پس درک واژه ها با ارجاع به واژه ها و مفاهیم دیگر و با ارجاع به جهان بیرون ممکن می باشد (Malrieu, 1999: 209-225) برای درک بهتر این مسأله "باید دید که بین دانش انسانی و دانش زبانی که در واقع بخشی از آن است چگونه رابطه ای برقرار است. جهان خارج در قالب مفهوم (concept) و قضیه (proposition) قابلیت لمس می یابد یاد درک می شود. یعنی انسان ابتدا جهان یکپارچه را پاره پاره (segmentation) می کند تا از طریق شناخت پاره ها و درک روابط بین آنها پی به ماهیت آنها ببرد. نتیجه ی این فرایند استنتاج (inference) خواهد بود که به صورت دانش به حافظه سپرده می شود. مفهوم دارای یک حوزه ی معنایی است که از تقطیع حاصل شده است. یعنی بخشی از جهان به اعتبار داشتن ویژگی هایی در مقابل عدم وجود آن ها از سایر پاره ها جدا شده است. این ویژگی ها در واقع همان مؤلفه های معنایی یک مفهوم است که برابر معنای یک واژه خواهد بود (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۹-۲۳). برخی روانشناسان زبان، واژگان ذهنی را به صورت مجموعه ای از واحدهای منفرد در نظر می گیرند که مدخل های متفاوتی در آن ذخیره شده و باهم مرتبط می شوند.

۲- روابط مفهومی (conceptual relations)

ادراک تنها از طریق تجربه مفاهیم حاصل نمی شود، بلکه انسان جهان را از طریق درک ارتباط بین مفاهیم در قالب قضایا یا گزاره ها نیز استنتاج می کند (جهانگیری، همان). در واقع «هر گزاره ای در جهان بیرون به صورت بالقوه رابطه ی میان مفاهیم مورد نظر را می رساند. هر چه تعداد این گزاره ها بیشتر باشد به تبع آن تعداد روابط بیشتر خواهد بود، اما فرض اساسی این است که می توان این روابط را به دسته های محدودی تقسیم کرد. مثلا دو جمله «سیب یک میوه است» و «سگ یک حیوان است»، دو گزاره ی متفاوت را ارائه می دهند. اما در هر دو رابطه ی یکسانی بین «سیب/ میوه» از یک سو و «سگ/ حیوان» از سوی دیگر برقرار است» (ایزانلو، ۱۳۸۴: ۱۷۷-۳۳).



در مورد ماهیت روابط و چگونگی شکل گیری آنها در ذهن انسان تحقیقات فراوانی صورت گرفته است و نظریات متفاوتی وجود دارد. برای نمونه، ورنر ادعا می کند که تمام دانش را می توان با سه رابطه ی ترتیبی، طبقه ای و وصفی نمایش داد. اما ملچوک در مدل خود از ۵۳ رابطه استفاده می کند و ایوانز و آلشویید تنها برای صفت ها ۱۰۰ رابطه را در نظر می گیرند (ایوانز، ۱۹۸۸: ۳).

مورفی روابط واژگانی را متفاوت از روابط معنایی می داند. پدیده هایی همچون تضاد و هم معنایی را جزء روابط معنایی می شمارد، و روابط واژگانی را هر نوع رابطه ای می داند که میان واژه ها برقرار است. بر این اساس روابط صوتی مانند وزن شعری، روابط ساختاری مانند تغییرات صرفی و روابط واژی- نحوی جزو روابط واژگانی به شمار می آیند. علاوه بر این، او اعتقاد دارد روابط معنایی را باید لزوما در بافت مطالعه کرد. برای نمونه متضاد داغ با توجه به بافت گاهی اوقات یخ و گاهی سرد می باشد (Murphy, 2003: 5). منابعی که به اعتقاد او

می توان از آنها در مطالعه‌ی روابط معنایی استفاده کرد، شامل شم زبانی سخنگو در مورد روابط معنایی، مطالعات پیکره ای در مورد واژه های مرتبط، فرهنگ های لغت و رابط نامه ها، آزمایش مدل های رایانه ای دانش واژگانی، آزمایش های روانشناختی زبان که در صدد مشخص کردن ساختار واژگانی و معنایی ذهن می باشند، آزمایش های تداعی واژگانی و داده هایی که از زبان آموزی به دست می آید، داده هایی که از خطاهای زبانی و زبان پریشی ها به دست می آید و تحلیل های گفتمانی که بر اساس روابط معنایی است، می شود (9:same). برخی محققین همچون لاینز روابط معنایی را روابط میان مفاهیم می دانند و از این رو از آنها به روابط مفهومی یاد می کند. به طور کلی بیشترین تعداد روابط مفهومی از نوع جانشینی می باشند. بدین معنا که این روابط میان واژه هایی است که در یک جمله می توانند جایگاه های یکسانی را اشغال کنند و یا در بافت های خاص جایگزین هم شوند. روابط معنایی ممکن است از نوع همنشینی نیز باشند، یعنی رابطه ی میان یک واژه و واژه های دیگر در یک جمله. معمولا در این موارد از اصطلاح هم آبی استفاده می شود و به صورت توانایی یک واژه در پیش بینی احتمال وقوع واژه ای دیگر تعریف می شود. برای نمونه هم آبی واژه ی نان با پنیر بیشتر از نان و قلب می باشد. شایان ذکر است که روابط جانشینی و همنشینی از یکدیگر تاثیر می پذیرند. به ویژه رابطه ی همنشینی تحت تاثیر رابطه ی جانشینی است. برای مثال، رابطه نزدیک نان و پنیر در محور- همنشینی متاثر از رابطه ی نزدیک این دو در محور جانشینی می باشد: مثلا هردو خوراکی هستند، در صبحانه خورده می شوند و الی آخر (جکسون و آمولا، ۲۰۰۰، به نقل از ایزانلو، ۱۳۸۳: ۳۰-۱۵). کرول (به نقل از میلر) پر بسامدترین روابط مفهومی میان واژگان را بر اساس پژوهشی که کنت و رزانف (۱۹۱۰) انجام داده بودند، شامل روابط حوزه ای (taxonomic)، وصفی، جزء واژگی و نقشی معرفی می کند (107: carroll, 1998).

صفوی شناخته شده ترین روابط مفهومی میان واژه ها را شمول معنایی، هم معنایی، هم- آوا هم نویسی، چند معنایی، تقابل معنایی و جزء واژگی می داند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲۰-۹۷). ما نیز در تحلیل داده ها این روابط را مدنظر داشته و فراوانی آنها را در بین انواع روابط

مفهومی محاسبه کرده، سعی کردیم در نهایت، پربسامدترین انواع رابطه را با توجه به داده های تحقیق حاضر معرفی کنیم. اما قبل از شرح آزمون و بررسی نتایج توضیح مختصری در مورد روابط فوق داده شده است.

۳- پربسامدترین روابط مفهومی

۳-۱- **رابطه ی شمول معنایی (hyponymy):** رابطه ی میان یک مفهوم و مفهوم های تحت شمول آن است. معمولاً برای نشان دادن رابطه میان اعضای یک شمول معنایی از سه اصطلاح واژه ی شامل (superordinate)، زیرشمول (hyponym) و هم شمول (co-hyponym) استفاده می کنند.

برای مثال، واژه ی گوسفند برای واژه های قوچ، میش و بره واژه ی شامل است و هر یک از این سه واژه از طرفی واژه زیرشمول گوسفند به حساب می آیند و از طرف دیگر با یکدیگر هم شمول تلقی می شوند، چرا که تحت شمول یک واژه ی شامل اند. به این ترتیب میان تمام اینها با هم یک رابطه ی سلسله مراتبی برقرار است.

۳-۲- **هم معنایی (synonymy):** هم معنایی یا مترادف، به حالتی گفته می شود که برای نشان دادن معنی یک واژه از واژه (های) دیگری استفاده می شود، مانند گیتی / جهان؛ و از جایگزینی این ها در زنجیره ی گفتار تغییری در معنی حاصل نمی شود.

۳-۳- **هم آوا-هم نویسی (homonymy):** این رابطه بین الفاظ متشابه برقرار است که اتفاقاً هیچ رابطه ی مفهومی ای با یکدیگر ندارند. در سنت مطالعات ادبی، هم آوا-هم نویسی تحت عنوان جناس تام معرفی می شود، که یا به صورت واژه هایی با تلفظ یکسان مثل خوار و خار، و واژه هایی با نویسه ی مشابه مانند کرم و کرم ظاهر می شود.

۳-۴- چندمعنایی (polysemy): شرایطی است که در آن یک واحد واژگانی از چند معنای مختلف برخوردار باشد، مثل پُست: ارسال، پُست: مقام.

۳-۵- تقابل معنایی (semantic opposition): اصطلاح تقابل در معنی شناسی عمده‌اً به جای تضاد (antonymy) به کار می‌رود، زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل معنایی است و شامل انواعی چون تقابل مدرج، مکمل، دوسویه، جهتی، واژگانی و ضمنی می‌شود.

۳-۶- جزء واژگی (part- whole): این رابطه‌ی مفهومی نیز به نوعی سلسله‌مراتبی است و رابطه‌ی کل به جزء را میان دو واژه‌ی مفهوم نشان می‌دهد. مثلاً ریشه، ساقه و برگ هر کدام بخشی از کل یک درخت محسوب می‌شوند (صفوی همان): (ساغروانیان، ۱۳۶۹)؛ (Lyons: ۱۹۷۷)

۴- آزمون و نتایج

در این تحقیق برای پیدا کردن روابط مفهومی میان واژه‌ها از آزمون روانشناختی تداعی معنایی (semantic association task) و واژه‌های هم-نویسه (homograph) بهره‌برده شده است. آزمون تداعی واژه یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های روانشناسان در مطالعه‌ی روابط مفهومی است. این آزمون اولین بار توسط فرانسیس گالتون، عمو زاده‌ی چارلز داروین، ابداع شد و روانکاو سوییسی، کارل یونگ، نیز در پژوهش‌های خود از آن بهره‌برده است (Carroll, 1998: 107). برای انجام این آزمون تعداد ۶ واژه‌ی هم-نویسه‌ی مورد نظر به ۳۵ نفر آزمودنی، بین ۱۵-۳۵ سال داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا ۱۰ واژه اولی را که با دیدن کلمه‌ی مورد نظر به ذهن‌شان می‌رسد، یادداشت کنند، سپس ۱۰ واژه از پرسامدترین واژه‌های به دست آمده از میان ۱۷۵۰ واژه پاسخ‌های تمام آزمودنی‌ها برای هر واژه‌ی محرک مشخص شد و در جدول زیر قرار داده شده‌اند. پس از آن نتایج حاصل مورد تحلیل قرار گرفت. دلیل

انتخاب واژه های هم- نویسه در این تحقیق امکان بررسی دقیق تر بعضی روابط صوری و یا معنایی از جمله چند معنایی بوده است.

جدول ۱- پربسامدترین واژه های تداعی شده با واژه های محرک (formal)

مهر	مد	کرم	سر	در	پست	ردیف
محبت	لباس	نرم کننده	مو	دیوار	نامه	۱
مادر	زیبایی	کرم خاکی	راز	پنجره	حقیر	۲
مهربان	نو	بخشش	صورت	درب	مقام	۳
دوستی	مغازه	خاک	تن	دستگیره	پایین	۴
پاییز	رایج	پوست	سرسره	دروازه	فرومایه	۵
مدرسه	خوش تیپ	دست	روسری	خانه	پستچی	۶
نماز	قرآن	صابون	کلاه	چوبی	صندوق	۷
مهر و	الفا	کرم پودر	کله	قفل	مرتفع	۸

آنچه در نگاه اول به داده ها توجه را جلب می کند این مسأله است که ظاهرا پاسخ های افراد بیشتر بر تداعی های معنایی میان واژگان متکی است تا پیوندهای صوری (نوشتاری/ آوایی)؛ همانطور که مشاهده می شود مواردی مانند: در/ درس، سر/ سرکه، کرم/ کرمان، که واژه ی تداعی شده تشابه صوری با واژه ی هدف دارد، در میان داده های جدول کمتر یافت می شود. از این نکته می شود اینطور نتیجه گرفت که روابط یا پیوندهای معنایی در نظام واژگان قوی تر از پیوندهای دیگر مبتنی بر شباهت تلفظ یا املائی واژه ها هستند.

در این قسمت به بررسی روابط یافت شده میان واژگان هدف در این تحقیق می پردازیم تا از گذر این بررسی به پربسامدترین روابط مفهومی میان این واژگان دست پیدا کرده و تعیین کنیم که آیا این روابط منطبق بر روابطی هستند که به عنوان شناخته شده ترین روابط مفهومی میان واژگان معرفی شده اند یا خیر. ابتدا این روابط در مورد تک تک واژه ها مشخص می شود و سپس بر اساس بسامد دسته بندی و ارایه می شوند.

۴-۱- پیوندهای واژگانی بین واژه های نداعی شده و واژه ی در:

خانه / شامل،

دیوار، پنجره / هم شمول،

دستگیره، قفل / زیر شمول،

چارچوب، قفل، دستگیره / جزء واژگی،

بیرون، داخل / تقابل معنایی،

جواهرات / شامل،

گوهر / هم شمول،

صدف / جزء واژگی،

مروارید / هم معنایی.

۴-۲- پیوندهای واژگانی بین واژه های نداعی شده و واژه ی پست:

بدی / شامل،

حقیر، فرومایه / هم شمول،

نامردی، نادانی / جزء واژگی،

فرومایه، بدی، حقیر / هم معنایی،

بدی، افتاده / چندمعنایی،

مرتفع، پایین / تقابل معنایی، تمبر، پاکتنامه، پستچی، صندوق، زرد / زیرشمول،

احترام، مرتبه، قدرت، ترس، مقام، / جزء واژگی،

مرتبه / هم معنایی،

پاکت نامه، مقام / چندمعنایی،

پاکت، تمبر، صندوق، پستچی / نقشی.

۴-۳- پیوندهای واژگانی میان واژه های نداعی شده و واژه ی سر:

سر، راز، عیان، فاش، مخفی، پنهان: هم معنایی،

مخفی - فاش، پنهان - عیان، دوست - دشمن / تقابل معنایی،

راز، بی حس، سرما: چندمعنایی،

گوش، عینک / جزء واژگی،

صورت، عینک (چشم)، گوش: زیرشمول.

۴-۴- پیوندهای واژگانی میان واژه های تداعی شده و واژه ی گرم:

مرطوب کننده، ویتامینه، ضد ترک: زیرشمول،

کِرمی / چندمعنایی،

موذی، مفید: تقابل معنایی،

نرم کننده، پوست، کرم پودر، ویتامینه، صابون / نقشی.

۴-۵- پیوندهای واژگانی میان واژه های تداعی شده و واژه ی مهر:

محبت، پاییز، آفتاب، نماز / چندمعنایی،

محبت، دوستی، مادر / شمول معنایی،

پاییز، مدرسه، دانش آموز / جزء واژگی،

نماز / نقشی.

۴-۶- پیوندهای واژگانی میان واژه های تداعی شده و واژه ی مد:

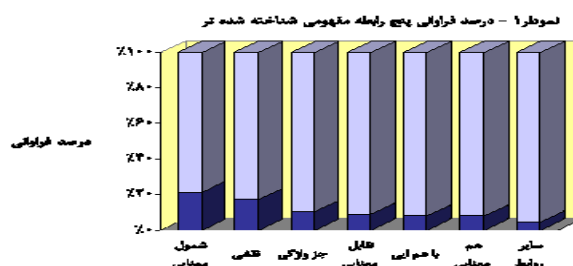
لباس، الفبا / چند معنایی،

رنگ، پارچه، زیبایی، خوش تیپ، نو / هم شمول.

در نمودار زیر درصد فراوانی پنج رابطه ی مفهومی که از نظر صفوی شناخته شده ترین

روابط مفهومی هستند، با توجه به نتایج داده های این تحقیق مشخص می شود. روابط معنایی هم

معنایی و باهم آیی درصد مشابهی از پاسخ ها را به خود اختصاص داده اند.



چنانکه ملاحظه می شود مجموع درصد فراوانی این روابط در میان داده های این تحقیق ۵۸/۲۲ می باشد که درصد بالایی نیست. در ادامه ما به معرفی دیگر روابط مفهومی که بین داده های تحقیق وجود داشتند، می پردازیم و با توجه به مجموع روابط، پربسامدترین این روابط را مشخص می کنیم.

بررسی بیشتر داده های حاصل از آزمون وجود روابط مفهومی دیگری غیر از پنج رابطه ی فوق الذکر میان واژگان جمع آوری شده را نشان داد که اتفاقاً درصد قابل توجهی از داده ها را به خود اختصاص داده بودند. از جمله این روابط معنایی، رابطه با هم آیی و رابطه وصفی (attributive) هستند (رابطه وصفی به نوعی رابطه اطلاق می شود که توصیفاتی از جمله رنگ، اندازه، و جنس را در برمی گیرد، مثل مواردی چون در/ چوبی، پست/ کوچک، دون و غیره).

نتایج نشان می دهد تعداد قابل ملاحظه ای از پاسخ های افراد در مواجهه با واژه ی هدف، واژه هایی هستند که در رابطه ی با هم آیی با آن هستند، به این معنی که در زنجیره ی هم نشینی معمولاً با هم به کار برده شده و در بافت موقعیتی یکسانی روی محور همنشینی واقع می شوند، مانند در و دیوار، در و پنجره، صندوق پست، در و گوهر، سر و گوش، سر و صدا، کرم خاکی، کرم مرطوب کننده و غیره. درصد فراوانی این دو نوع رابطه (با هم آیی و وصفی) در این تحقیق به ترتیب ۸.۷٪ و ۷.۸٪ بود.

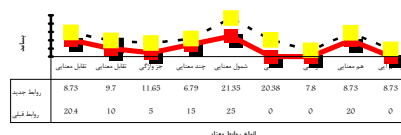
علاوه بر این نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که روابط کارکردی/نقشی (functional) (که در میان شناخته شده ترین روابط مفهومی ذکر شده از آن‌ها به میان نیامده بود) در تداعی معنایی از اهمیت زیادی برخوردارند و بخش قابل توجهی از روابط مفهومی میان واژه‌ها (حداقل واژه‌های این تحقیق) را نشان می‌دهند (۲۰/۳۸٪). به عنوان مثال، واژه‌های پوست/میز، در (در)/قفل، کلید، دربان، خانه، (دُر)/انگشتر، گردنبند، صدف، آب، جواهر، سر/کلاه، کرم/مرطوب کننده، ویتامینه، پوست، زیبایی، خشکی و لک و ترک و...، بیشتر بین داده‌ها یافت می‌شود تا مثلا سر/گرد، در/مهره، کرم/تیوبی، استوانه ای و مانند آن.

انواع دیگری از روابط مفهومی (مانند رابطه‌ی مکانی، سببی، ابزاری و مصداقی) نیز میان واژه‌های تحقیق مشاهده شد که فراوانی آنها به نسبت موارد ذکر شده بسیار کمتر بود.

نتیجه

این تحقیق به منظور مشخص کردن پربسامدترین پیوندهای مفهومی میان واژگان در زبان فارسی انجام شد. در مطالعات روانشناختی فرض بر این است که با توجه به نوع و بسامد این روابط مفهومی که میان واژگان زبان برقرار است می‌توان رابطه‌ی واژگان ذهنی و شیوه‌ی ذخیره آن‌ها را در ذهن مشخص کرد. البته برای پیدا کردن این روابط میان واژگان واقعی زبان از آزمون‌های روانشناختی استفاده می‌کنند. یکی از این آزمون‌ها آزمون تداعی معنایی است که در این تحقیق هم مورد استفاده قرار گرفته است. این آزمون از قدمت کاربرد و اهمیت زیادی در تحقیقات روانشناسی زبان برخوردار است. در آزمون‌های تداعی معنایی، فرد آزمودنی واژه‌ای را می‌بیند یا می‌خواند، سپس از او خواسته می‌شود اولین واژه یا واژگانی را که به خاطر می‌آورد بیان کند. اهمیت این نوع فعالیت ذهنی در این است که اطلاعات سودمندی در مورد نحوه‌ی سازمانبندی واژه‌ها در ذهن و روابط میان آن‌ها به دست می‌دهد.

ر نمودار 3- مقایسه پربسامدترین پیوندهای واژگانی شناخته شده قبلی و تحقیق حاضر



قبلا گفتیم که نتایج آزمون انجام گرفته نشان داد که پربسامدترین روابط مفهومی میان واژگان در این تحقیق کاملاً منطبق بر شناخته شده ترین روابط مفهومی که قبلاً معرفی شده بودند، نیست. بنابراین جدول درصد فراوانی پربسامدترین روابط یافت شده میان داده های تحقیق در زیر ارائه می شود تا امکان مقایسه به وجود بیاید:

چنانکه ملاحظه می شود رابطه ی شمول معنایی با $21/35$ درصد فراوانی بالاترین رتبه را در جدول داراست که این امر برابر انتظار ما با توجه به شناخته شده ترین روابط معنایی ارائه شده است. رابطه ی نقشی/کارکردی با $20/38$ درصد دومین رتبه را داراست که این مورد با توقع ما با توجه به شناخته شده ترین روابط مفهومی همخوانی ندارد. رابطه ی جزء واژگی با $11/65$ درصد فراوانی در مرتبه ی سوم قرار دارد که این رابطه جزء شناخته ترین روابط مفهومی هم معرفی شده است. در جایگاه چهارم رابطه ی تقابل معنایی با $9/70$ درصد فراوانی است که این رابطه هم در دسته روابط شناخته شده مفهومی قرار دارد و در نهایت رابطه ی هم آبی است با $8/73$ درصد فراوانی، با بسامدی برابر رابطه ی هم معنایی، که در جمع شناخته شده ترین روابط مفهومی ذکر نشده است. بنابراین پربسامدترین روابط مفهومی به ترتیبی که داده های این تحقیق پیشنهاد می کند عبارتند از: شمول معنایی < رابطه ی نقشی < رابطه ی جزء واژگی < رابطه ی تقابل معنایی < رابطه هم آبی و هم معنایی.

نتایج کلی که می توان از این تحقیق حاصل کرد به قرار زیر است:

۱. نتایج این تحقیق وجود روابط مفهومی میان واژگان زبان (و بالطبع با توجه به ادعای آزمون روانشناختی میان واژگان ذهنی) را تأیید می کند و بر این نکته تأکید دارد که پیوند های

معنایی میان واژگان ظاهراً در تداعی واژگان از اهمیت بیشتری نسبت به پیوند های صوری (تشابهات آوایی/ نوشتاری) برخوردار است. و این نکته به این معناست که روابط یا پیوندهای معنایی در نظام واژگان قوی تر از پیوندهای دیگر مبتنی بر شباهت های تلفظ یا املائی واژه ها هستند.

۲. رابطه ی مفهومی نقشی/کارکردی گرچه در میان شناخته شده ترین روابط مفهومی نیامده اما در داده های این تحقیق سهم قابل ملاحظه ای را به خود اختصاص داده بود بنابراین به نظر می رسد که باید در مورد جایگاه آن در میان شناخته شده ترین روابط مفهومی تجدید نظر شود. همینطور نقش رابطه ی با هم آیی در میان روابط مفهومی میان واژگان نباید نادیده گرفته شود. در داده های این تحقیق دو رابطه ی نقشی جای رابطه ی چند معنایی را که جزء شناخته شده ترین روابط مفهومی تلقی می شوند را گرفته است و رابطه ی با هم آیی در ردیف هم معنایی قرار گرفته است.

با این حال با توجه به کم بودن داده های این تحقیق و محدود بودن دامنه ی آن نمی توان به طور قطع ادعا کرد که در میان تمام واژگان زبان فارسی روابط یافت شده در این تحقیق پربسامدترین روابط معنایی را تشکیل می دهند. بعلاوه این واژه ها در متن آزمون نشده و تحلیل نشده اند بنابراین شاید نتایج حاصل از بررسی واژگان در متن و بافت (که طبیعتاً باید با آزمون های دیگری غیر از آزمون تداعی معنایی انجام شود) نتایج متفاوتی را به دست دهد. به هر حال رسیدن به پاسخ های متقن تر و قاطع تر در این زمینه مطالعات و تحقیقات بیشتر و گسترده تر را طلب می کند.

منابع

- ۱- ا. گرادی، ویلیام؛ دابروولسکی، مایکل؛ آرنف، مارک (۱۳۸۰) **درآمدی بر زبانشناسی معاصر**. ترجمه علی درزی. تهران: انتشارات سمت.
- ۲- ایزانلو، علی (۱۳۸۴) **توصیف و بررسی شبکه معنایی واژگان فارسی**. پایان نامه کارشناسی ارشد (منتشر نشده). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۳- جهانگیری، نادر (۱۳۷۸) **توانش زبانی زبان: بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه**. تهران: نشر آگاه.
- ۴- ساغروانیان، سید جلیل (۱۳۶۹) **فرهنگ اصطلاحات توصیف زبانشناسی**. تهران: نشر نما.
- ۵- صفوی، کوروش (۱۳۸۳) **درآمدی بر معنی شناسی**. تهران: انتشارات سوره مهر.
- 6-Babu,U., (2004), **Lexicon and Related Processes: A Connectionist Model using Concepts**, Indian Institute of Technology Dissertation.
- 7-Carroll, D. W., (1999), **Psycholinguistics**. Brooks/Cole Publishing Company,U.S.A. Coltheart, M.,Davelaar,E.,Jonasson, J.T., Benser,D., (1977), Access to the Internal Lexicon, VI, 375-407.
- 8-Evens, M. W., (1988), **Relational Models of the Lexicon**, Cambridge University Press.
- 9-Field, J.,(2003), **Psycholinguistics**, Routledge, London.
- 10-Garman, M., (1990), **Psycholinguistics**, Cambridge, New York.
- 11-Harley, T. A., (2001), **the Psychology of Language from Data to Theory**, Psychology Press Ltd, U.S.A. and Canada.
- 12-Lyons, J. (1977), **Semantics**, Vol 2, Cambridge University Press.
- 13-Malrieu, J. P., (1999), **Evaluative Semantics Language, Cognition and Ideology**, Rutledge, London and New York.
- 14-Murphy, G. L., (2003), **Ecological Validity and the Study of Concepts**, In **B. H. Ross** (Ed.), **The Psychology of Learning and Motivation**, Vol. 43 (pp. 1-41), American Press, San Diego.
- 15-Vigliocco.G.& Vinson, D. P.,(2005), **“Semantic Representation”**, In **G. Gaskell** (ed.) **Handbook of Psycholinguistics**. Oxford: Oxford University.